

ضرورت محدودیت در آزادی

از نظر سلامت فرد

حدود آزادی در تربیت

(۱۰)

علی قائمی



نه تنها کودک بلکه همه انسانهایی که در اجتماع زندگی می کنند باید به نسبتی ، تحت کنترل بوده و در بهره مندی از آزادی محدود باشند ، آزادی مطلق ، تنها از آن خدا است .

این محدودیت برای کودک و حفظ منافع او و رعایت رشد و شخصیت فردی و خانوادگی ضروری است ، اوج ندارد و نباید بهر جا که خواست برود ، هر چه را که هوس کرد بخورد بنوشد و بپوشد ، همانگونه که والدین او ، چنین حقی را ندارند .

دلایل محدودیت

اینکه کودک را محدود می کنیم و اجازه اش نمی دهیم که در چارچوب دورک فهم خود ، حرکت و اقدامی کند بدلائل و علل زیر است :

۱ - تسلط غرائز: زندگی کودک بخصوص در سالهای اولیه تحت تأثیر شدید غرائز است . غرائز نیروهای مرموز ولی سرکش هستند که زندگی طفل را جهت می دهند . و چنانچه تحت کنترل و مهاردنیاید زمینه را برای تجاوز و شرارت طفل فراهم می آورند .

غرائز برای جلب لذت بوده ، دافع ضرری باشد و معلوم نیست جلب هر گونه لذت و یا دفع هر ضرری بصلاح زندگی کودک باشد . چه بسیار که این نیرو ، او را بخود سری ، لجاجت ، و در نتیجه ویران کردن بنای حیات ظاهری و ویرانی شخصیت او بکشاند .

۲ - کنجکاو : کودک بطور فطری ، کنجکاو و دائماً در صدد یافتن است . کنجکاو و ماجراجویی گویانکه از یک دید ، زمینه را برای رشد فکری ، کسب آگاهی های لازم ، فراهم می کند ، ولی اگر آزادانه و بدون کنترل ، اعمال شود ممکن است موجب وارد آمدن صدماتی براو و دیگران گردد .

طفل دوست دارد هر چه را که در دوروبر خود می بیند دست کاری کند ، هر اراده ای که در او بوجود آمده آنرا به مرحله اجراء و عمل در آورد بدیهی است چنین وضع و فعالیتی در همه موارد ، بصلاح کودک نخواهد بود .

۳ - پرتوقعی : سنین اولیه زندگی کودک مواجه با پرتوقعی ، و اطمینان کاذب نسبت به خود است تصمیمات او اغلب نیندیشیده و گاهی نسبت به هم متضاد است در دنیای درون او تمایل شدید به آزادی های بی حد و حصر موجود است او می خواهد امتیازات مورد نظر را بهر گونه ای است بر آورده سازد .

چه بسیار توقعات و خواسته ها که اگر بر آورده شوند موجب لطمه ای برای او خواهند شد . و نیز چه بسیار تصمیماتی که اگر آزادانه اتخاذ و بموقع اجراء گذارده شود برای طفل زیان بخش است .

ضرورت محدودیت :

بر این اساس که تصویر شد محدودیت کودک در بهره مندی از آزادی ، امری ضروری و عاقلانه است او را نباید بخود واگذار کرد که با استفاده از عقل خویش به تصمیم گیری - بپردازد ، از آن بابت که پیش از رشد عقل . غرائز در وجودش متمرکز بوده اند و انگهی نتیجه گیری های کودک در زندگی بر اساس مقدماتی است که اغلب اشتباه است او تحت تأثیر شهوت ، غضب ، عادات غلط دوران کودکی تحت تأثیر شرایط سنی محدود ، معلومات و تجارب محدود تراست . او را نمی توان آزاد گذارد که بر اساس فهم و خرد خود تلاش کند و به پیش برود . با توجه به جنبه های فوق و نیز عدم احساس مسئولیت ، ضعف اراده ، عدم ثبات شخصیت ، تمایلات بی حساب عدم آگاهی از دلایل انجام يك فعالیت ضروری است عقل منفصلی با او همراه بوده ، حرکات و تلاشهایش را تحت کنترل و نظم در آورد . و این همان ضرورتی است که ما برای محدودیت طفل ذکر می کنیم علاوه بر موارد فوق ، کودک در

بهره‌مندی از آزادی در موارد ذیل محدودیت دارد بجهت زیر :

حفظ سلامت جسم کودک : کودک در جنبه آزادی خواهی برای خود حدومرزی

قائل نیست . او می‌خواهد در وسط خیابان ، بدون توجه به اتومبیل‌های در حال رفت و آمد دوچرخه سواری ، قایم موشک ، توپ بازی و . . . کند و چه بسیار که این بازی‌ها برای او خطرناک است . و یا کودک هوس می‌کند آزادانه از درختی بالا رود و بر روی شاخه‌ای بنشیند. در چنین صورت‌هایی اگر بخواهیم با او از در مسامحه در آئیم ، خواست او را تحت کنترل نیاورده و یا بگونه‌ای آن را جهت ندهیم ، برای او خطر جسمی دارد و ممکن است به نقص عضو و حتی مرگ او منجر گردد .

۲ - حفظ سلامت روان : آزادگذاشتن کودک در انجام يك عمل ، گاهی دوران

عقل و احتیاط است از آن بابت که ممکن است اقدام ، به عملی کند که عاقبت آن پاس، سر خوردگی و سرشکستگی باشد .

کودکی که غرورش بیک باره شکسته شود دیگر بسادگی نمی‌تواند بپاخیزد و ابراز وجود کند شکست روانی فساد در شخصیت غیر از بیک بیماری جسمی است که با اندک دارویی درمان گردد .

ضمناً فراموش نکنیم که آزادی‌های بی بندوبار گاهی پای کودک را به اماکن و باب معاشرت او را با افرادی بازمی‌کنند که نه خود شخصیتی دارند و نه حاضرند شخصیت فردی و یا خانوادگی دیگران را بحساب آورند. می‌دانیم سوءاستفاده‌ها ؛ بهره‌گیری‌های نامشروع از طفل چه عوآقیبی برای حال و آینده طفل دارد .

۳ - برای حفظ زندگی آینده : کودک برای زندگی آینده خود ، بخصوص

در اجتماع ، نیازمند به تملک نفس ، گذشت از برخی منافع ، پذیرش بخشی از زیانها جهت فرار از زیانهای بزرگتر است ، او ناگزیر است ، ساعات معینی از روز کار کند ، ساعاتی را بخواهد بیدار باشد ، بسرووضع خود برسد ، رعایت حال دیگران کند و . . . این مسائل نیاز به تمرین و ممارست دارند. عبارت دیگر او در دوران کودکی باید مزه برخی از محرومیت‌ها، کنترل‌ها ، فشارها را بچشد و به آن عادت کند و گرنه همه مقررات اجتماعی را نمی‌توان یکباره و یک روزه براو تحمیل کرد .

طفل باید از همان کودکی عادت کند که از بخشی از خواسته‌های خود صرفنظر نماید ، به هر جایی که خواست و هوس نمود نرود ، از هر چه که خوشش می‌آید پیروی نکند ، خوبشتن دار باشد ، در حدود استطاعت خود ؛ متحمل و صبور باشد و . . . این جنبه‌ها خود ضرورت محدودیت در آزادی را نشان می‌دهند .

وظیفه پدر و مادر

بهمانگونه که درباره آزادی اندیشه می شود درباره هرگونه محدودیت نیز باید اندیشه شود که برای کودک چه فایده ای دارد و طفل در حال آینه در مورد جسم یا روان چه سودی از آن می برد .

اینکه می گوئیم والدین باید کودک را تحت کنترل داشته باشند بحقیقت ناشی از مسئولیت آنهاست . والدین مسئول و متعهدند که سلامت جسمی و روانی کودک را حفظ کرده برای رشد همه جانبه اقدام نمایند این تعهد و مسئولیت ایجاب می کند که او را تحت کنترل داشته ، روش خود را با عقل و دانش همراه سازند .

این محدودیت نه تنها لطمه ای بر کودک وارد نمی آورد بلکه او را پاکتر و مهذبتر ساخته ، زمینه را برای رشد او و جهت دادن او بسوی يك زندگی ثمربخش فراهم می نماید .

کنترل در چه سنین ؟

میزان استقلال عمل کودک در مراحل مختلف سنی باید فرق کند و البته در هر سنی باید روشن باشد که او تا چه مقدار آزادی خواهد داشت حساس ترین مرحله برای محدود کردن کودک البته به تناسب سنی از حدود چهار ماهگی است که کودک مفهوم لبخند و ترشروئی مادر را تا حدودی درک می کند .

دینیار : نظر تمام ...

البته ناگفته پیداست این رنگ ضعیف و مختصر به آن حدیست که یکی از مزدوران استعمار بگوید : « دینی که از فاتحین عرب به ایرانیان رسید ، در اینجا رنگ و روی ایرانی گرفته ، تشیع خوانده شد و از مذهب اهل سنت امتیاز یافت » (۱۶) زیرا بطوری که در جای خود ثابت شده « تشیع » مغز و حقیقت اسلام است و پایه گذار آن شخص رسول اکرم (ص) می باشد .

کوتاه سخن آنکه می توان گفت ؛ اسلام بعد از دوران خلافت اسلامی ، در اثر بروز تمهبات قومی و نژادی در میان مسلمانان ، دیگر روی يك حکومت و دولت واحد را بخود نهد ، اختلافات جغرافیائی ، ملی سنتی و فرهنگی ، میان پیروان اسلام که از « مراکش » در آفریقای شمالی تا « مالایا » و چین ، در عرضی پهنای زندگی می کنند ، همواره مانع بزرگی برای تشکیل يك دولت اسلامی و با دست کم ، همکاری سیاسی میان ملل اسلامی بوده و هست .

۱۶ - مزدینسا و تاثیر آن در ادبیات فارسی ، دیباچه صفحه هفدهم از پورداود

مطالب این شماره



۳	پیروزی بزرگ ...	۱-
۶	احترام خون انسان	۲
۱۱	ویرانگری کاپیتالیسم ...	۳
۱۵	نقش غرائز درگردش تاریخ	۴
۲۱	امام خمینی و ...	۵
۲۴	قصاص و مجازات قاتل	۶
۳۰	چهره زن در قرآن	۷
۳۴	ریشه‌های حوادث افغانستان	۸
۳۹	انتقاد از خود ...	۹
۴۳	خطر نژادپرستی	۱۰
۴۸	شهید (شعر)	۱۱
۵۱	امام موسی صدر ...	۱۲
۵۷	تاسیس خانه اسلام ...	۱۳
۵۹	مسئولیت مسلمان	۱۴
۶۴	قدرت الله اکبر ...	۱۵
۶۸	چگونه از مهاجرت کشاورزان ...	۱۶
۷۱	ضرورت محدودیت در آزادی	۱۷

● یادآوری لازم ●

تذکر بطوری که به دفتر مجله اطلاع داده شد که بعضی از گروه‌های سیاسی از عنوان مجله سوءاستفاده نموده و در برخی از شهرها ، اعلامیه‌های خود را در مجله گذاشته و به مردم میدهند .

لذا بعموم خوانندگان مجله اطلاع میدهم که مجله «کتب اسلام» به هیچ گروه سیاسی وابسته نیست ، مجله ایست متعلق به حوزه علمیه قم و جهان تشیع و اسلام .